

بایسته‌های راهبردی برنامه‌درسی و نحوه‌گزینش آنها

کلیدواژه‌ها: اصول تعیین راهبرد، راهبردهای یاددهی - یادگیری، الگوی دریافت مفهوم

اشاره

رسالت خطیر برنامه‌درسی ملی فراهم آوردن سازوکارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی و محلی است تا مبنی بر فلسفه‌تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی بانشاط و مدرسه‌ای دوست‌داشتنی را به تصویر بکشند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش). با عنایت به نقش و اهمیت برنامه‌درسی ملی، اجرای درست آن در همه سطوح از اهمیتی اساسی برخوردار است؛ زیرا برنامه‌اجرا نشده همانند برنامه‌تولید نشده است و اجرای ناکارآمد، زمینه را برای تولید و اجرای برنامه‌مشابه در آینده هم غبار آلود می‌کند. وقتی برنامه‌ای نیست، دست کم برخی «آرزوی» آن را در دل خود زنده نگه می‌دارند، اما وقتی برنامه‌ای بد اجرا می‌شود، خیلی از اشخاص از آن متنفر می‌شوند. موفقیت در اجرای برنامه‌درسی به پذیرش برنامه و توانایی اجرای آن از سوی عاملان اجرا وابسته است و عامل اجرا فردی است که فراگردهای اجرا را هدایت و حمایت می‌کند.

ضرورت وجود برنامه‌درسی ملی آن است که سبب می‌شود در سطح کشور نظام یکسانی حاکم شود و همه دانش‌آموزان به حدود پیشرفت مورد انتظار در سطح کشور برسند. دلیل دیگر در این خصوص، دلیل اقتصادی است. کسانی که این موضوع را طرح می‌کنند، بر این باورند که وجود برنامه‌درسی ملی سبب می‌شود هزینه و سرمایه‌گذاری دولت منطقی‌تر شود. به سخنی دیگر، در این صورت است که دولت به هزینه و عواید ناشی از سرمایه‌گذاری خود آگاهی می‌یابد. طراحی و تدوین «سند برنامه‌درسی ملی» نوعی سیاست‌گذاری عمومی و کلی در حوزه برنامه‌ریزی درسی است. از نظر لامبی، تدوین چارچوب برنامه‌درسی ملی نوعی هدایت ملی است درباره آنچه که باید آموخته شود، چگونه ارزشیابی شود و چه پیامدهایی داشته باشد (نقل از آقازاده، ۲۰۰۶). برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران با ارائه یک الگوی جدید هدف‌گذاری شامل پنج عنصر (تفکر و تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) در چهار عرصه ارتباطی متربی (با خود، خدا، خلق و خلقت) اقتضانات کاملاً جدیدی را برای مؤلفه‌های برنامه‌درسی (رویکرد، محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری و ارزشیابی) و برنامه‌آموزشی ایجاد می‌کند. در این نوشتار، به بحث درباره مؤلفه‌های راهبردهای یاددهی - یادگیری و اصول حاکم بر گزینش آنها پرداخته می‌شود.

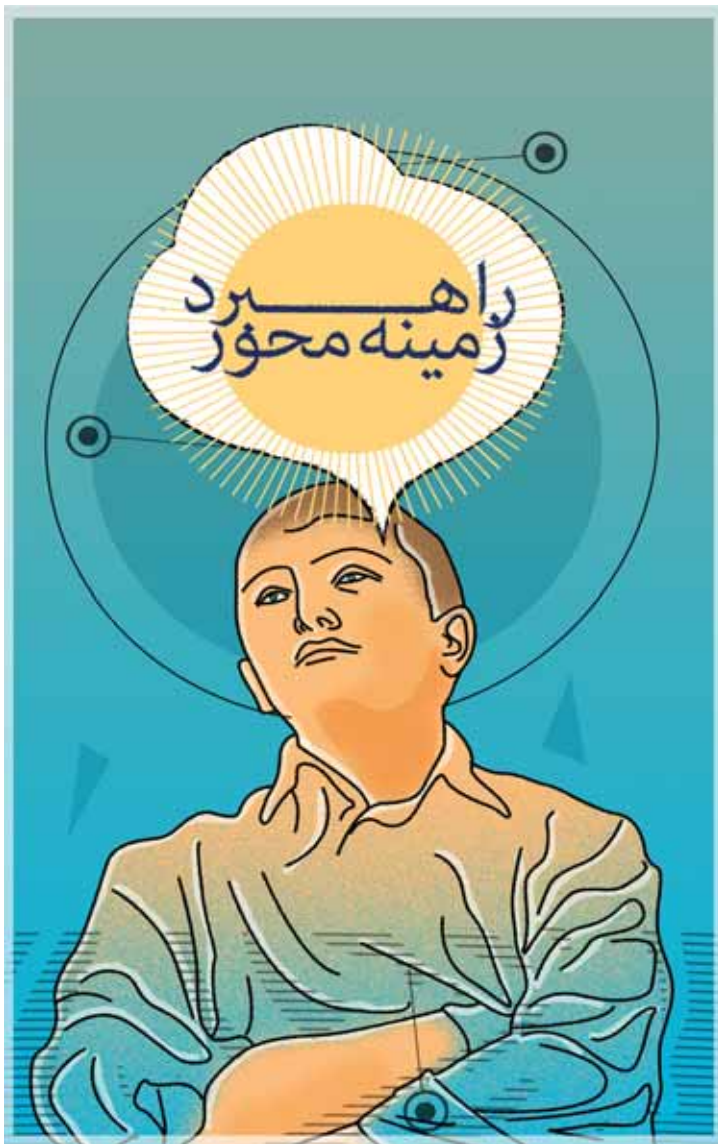
راهبردهای یاددهی - یادگیری و اصول حاکم بر گزینش آنها

«راهبرد» که معادل واژه استراتژی است، به بیان کلی عبارت است از یک برنامه با نقشه کلی که از مجموعه‌ای عملیات تشکیل و برای رسیدن به هدفی معین مطرح می‌شود. هنگامی که این نقشه برای رسیدن به اهداف آموزشی باشد، به آن راهبرد یاددهی - یادگیری یا راهبرد آموزشی گفته می‌شود. انتخاب راهبرد مناسب یکی از فعالیت‌های مهم در فرایند طراحی آموزشی به شمار می‌رود، زیرا تعیین‌کننده نوع وظایف معلم و زمینه‌ساز فعالیت‌های دانش‌آموزان در کلاس درس است.

راهبردها و روش‌ها علاوه بر به‌کارگیری در فرایند تدریس، در طراحی و تألیف بسته‌های آموزشی (کتاب

درسی و...) نقش اساسی دارند. با همه اهمیت که راهبردها و روش‌ها در برنامه‌ریزی درسی دارند، خود تابعی از اصول مبنایی هستند؛ اصولی که بتواند:

- امکان درک و تفسیر پدیده‌ها، وقایع، و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببیند، به‌گونه‌ای که شرایط را برای تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند، با رعایت نظام معیار اسلامی، فراهم سازد.
- انگیزه دانش‌آموزان را، از طریق کاوشگری، در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع و روابط آنها تقویت کند.
- امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها



را همراه با افزایش بصیرت در دانش‌آموزان فراهم کند.

- فرصت‌هایی را تدارک ببیند که شایستگی‌های کسب شده در فاصله‌های زمانی توسط دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط دانش‌آموز اخذ شود.
- فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به‌صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.
- با بهره‌مندی از روش‌های فعال و خلاق و سازمان‌دهی نوآورانه، فرایند جمع‌آوری و انباشت حقایق، زمینه تولید علم و معرفت را فراهم کند.
- صرفاً به انتقال دانش محدود نشود، بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم‌پردازی تدارک ببیند.
- زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلم، هم‌سالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.
- زمینه بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم کند و استفاده از آن‌ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری)، دنبال کند (بند ۹ سند تحول، ۱۳۹۰).

انواع راهبردهای یاددهی - یادگیری

راهبردها زمینه رسیدن به یادگیری مطلوب - با توجه به رویکرد فطرت‌گرایی و موقعیت‌محوری و اصولی مانند تعامل و مشارکت - را فراهم می‌آورند (پیشین). لازمه شکوفایی فطرت، فراهم کردن بستر مناسب برای رشد حس علم‌یابی، حقیقت‌خواهی و خلاقیت در این فرایند است. در کنار این دسته‌بندی، دانش‌آموزان برای آگاهی از موقعیت‌ها (جلوه‌های مختلف برنامه‌های درسی مانند ریاضی و دینی)، نیازمند تعامل اجتماعی و تشریک مساعی با هم‌سالان خود هستند. در چنین شرایطی، نقش معلم در انتقال به‌موقع و مناسب پیام از طریق قصه، مثال، ارائه الگوها، توجه به خودباوری و خودپالایی در ارتباط با خود، خدا و خلق می‌تواند کامل‌کننده راهبردهای قبل باشد. اصلی‌ترین راهبردهای آموزشی که خود به دسته‌بندی الگوهای یاددهی - یادگیری کمک می‌کنند، عبارت‌اند از:

راهبرد زمینه‌محور، راهبرد تعاملی و راهبرد انتقالی.

راهبردها
زمینه رسیدن
به یادگیری
مطلوب با توجه
به رویکرد
فطرت‌گرایی و
موقعیت‌محوری
و اصولی مانند
تعامل و مشارکت
را فراهم
می‌آورند

۱. راهبرد زمینه‌محور

روح کلی راهبرد زمینه‌محور، بسترسازی معلم برای شکوفایی فطرت، بروز استعدادها و علاقه‌ها از طریق برقراری ارتباط با بافت و موقعیت‌های چالشی مناسب است. فعال‌سازی تفکر، کلیدی‌ترین عمل در این راهبرد محسوب می‌شود. با به‌کارگیری مهارت کاوشگری و پژوهشگری، ابعاد مختلف مسئله بررسی می‌شود و با مشاهده و استفاده از روش‌های متفاوت، اطلاعات جمع‌آوری می‌گردد تا راه‌حل‌های مختلف به‌دست آید. در مرحله بعد، دانش‌آموزان اطلاعات به‌دست آمده را تجزیه و تحلیل می‌کنند تا به جواب مناسب و کامل‌تر برسند. بنابراین، روش‌های حل مسئله و کاوشگری، روش گروهی، روش پروژه‌ای، نقشه مفهومی، بارش مغزی، روش آزمایشگاهی و... در عمل می‌توانند براساس این راهبرد مدیریت شوند.

و معلم عامل این تسهیل به‌شمار می‌رود. بسیاری از مهارت‌های زندگی و موضوعات علمی می‌توانند در محیط‌های غیرمدرسه‌ای هم آموخته شوند، اما آنچه یادگیری‌های مدرسه‌ای را از یادگیری‌های غیرمدرسه‌ای متمایز می‌کند، نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌کننده امر یادگیری و ایجادکننده شرایط لازم برای یادگیری مفید و مؤثر است.

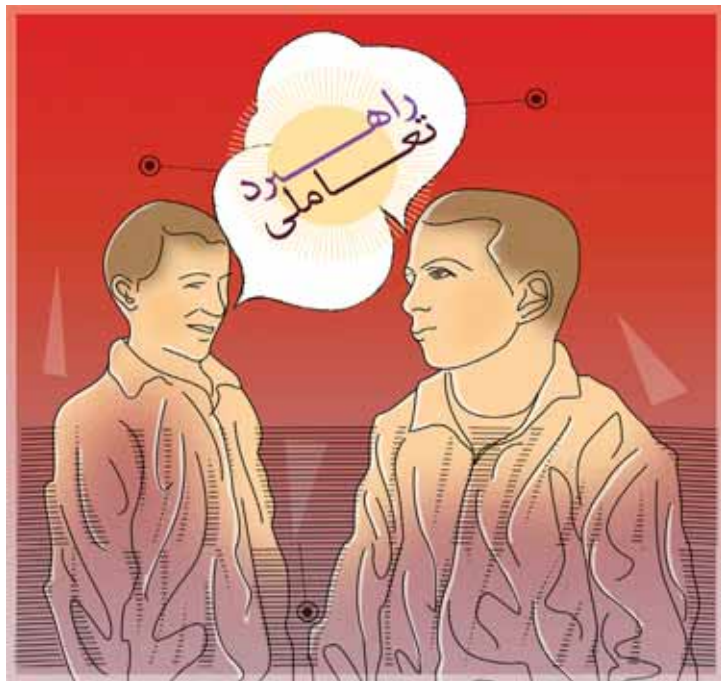
معلم با استفاده از مجموعه آموخته‌های شناختی خویش درباره طبیعت یادگیرنده (دانش آموز)، فلسفه و هدف‌های تعلیم و تربیت، قوانین یادگیری و چگونگی استفاده از آن‌ها در کلاس‌های درس، روش‌ها و شیوه‌های علمی گردآوری و کاربرد دانش‌ها، روش‌های سنجش استعدادها و بررسی توانایی‌ها، روش‌های ایجاد انگیزش، تقویت و بازخورد مناسب، روش‌های کنترل عواطف، هیجان‌ها و بسیاری دانسته‌های دیگر، الگوی یاددهی خویش را با عنایت به راهبردهای مطرح شده طراحی می‌کند. الگویی که معلم درس خود را با آن شروع می‌کند در کسب اطلاعات و نظرات، مهارت‌ها، راه‌های تفکر و اظهارنظر به دانش‌آموزان کمک می‌کند و نحوه یادگیری را به آنان می‌آموزد. نقش عمده تدریس پدیدآوردن یادگیرندگان توانمند است. در ادامه، به معرفی الگوی تدریس دریافت مفهوم می‌پردازیم که از دسته راهبردهای زمینه‌محور محسوب می‌شود.

الگوی یاددهی دریافت مفهوم

هدف: این روش در تقویت مهارت‌های اساسی تفکر بسیار مؤثر است و موجب کشف ماهیت مفهوم می‌شود. با اجرای این الگو چگونه فکر کردن را به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم. این الگو به‌منظور هدایت دانش‌آموزان به ادراک یک مفهوم تدوین و با توجه به مراحل زیر تدریس می‌شود:

الف. مراحل اجرای الگو

۱. **عرضه مطالب:** در این مرحله، معلم مطالب را در دو قالب مثبت و منفی ارائه می‌دهد. بنابراین مطالب باید قبلاً دسته‌بندی و در قالب نمودار، تصاویر، جداول یا نوشته‌هایی روی تابلو آماده ارائه شوند. معلم برای فراگیرندگان مشخص می‌کند که مفهومی را در ذهن دارد که باید به آن پی ببرند و سپس بعضی مطالب ارائه شده را با آری و برخی دیگر را با خیر مشخص می‌کند. آری‌ها همان مفهومی را نشان می‌دهند که در ذهن معلم است. در واقع هر مطلبی که ارائه می‌شود، مثالی منفی یا مثبت از آن مفهوم است. در این مرحله، معلم به فراگیرندگان می‌گوید که در همه مثال‌های مثبت



۲. راهبرد تعاملی و مشارکتی

در این راهبرد، معلم زمینه‌ساز یادگیری از طریق تشریح مساعی، بحث و گفت‌وگوست. دانش‌آموزان به‌صورت دسته‌جمعی به پژوهش و آزمایش دست می‌زنند. در این راهبرد علم به‌منزله دانشی است که در طول زمان بر مبنای نیازهای اجتماعی به‌وجود می‌آید و با اندیشه‌های گروه تعبیر می‌شود. یادگیری به مثابه اکتشاف دنیای پیرامون و ایجاد ارتباط اجتماعی با افراد تلقی می‌شود. این راهبرد با روش‌های متفاوت قابل پی‌گیری است، از جمله بارش مغزی، ایفای نقش، انواع روش‌های مشارکتی (همیاری)، بدیعه‌پردازی، پرسش و پاسخ، روش گروهی و مباحثه.

۳. راهبرد انتقالی

در این راهبرد، معلم به‌منزله عامل اصلی در یادگیری ظاهر می‌شود و کل دانش موضوعی را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. اگر از این راهبرد به‌صورت کامل و بدون توجه به راهبردهای قبلی استفاده شود، راهبردی غیرفعال و کم‌اثر خواهد بود. روش‌های خاص این راهبرد عبارت‌اند از: سخنرانی، توصیف، نمایش، تکرار و تمرین، سازمان‌دهنده و مهارت‌آموزی.

در حالت مطلوب، تلفیق سه راهبرد موردنظر است. آگاهی معلم از راهبردهای متفاوت و روش‌ها و فنون یادگیری مرتبط با هر یک اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا مدارس جایگاهی برای تسهیل امر یادگیری هستند

الگویی که معلم درس خود را با آن شروع می‌کند در کسب اطلاعات، نظرات، مهارت‌ها، راه‌های تفکر و اظهارنظر به دانش‌آموزان کمک می‌کند و نحوه یادگیری را به آنان می‌آموزد

نمونه تدریس: «درس علوم، موضوع تبخیر»
در گام اول، معلم جدول زیر را روی تخته کلاس می‌کشد.

جدول مفهوم‌شناسی با عبارات مثبت و منفی پاسخ

خبر	بلی
آب شدن یخ‌های قطبی	خشک شدن نان در مجاورت هوا
نرم شدن کره	ناپدید شدن مه
ریزش باران	اتو کردن لباس‌های نم‌دار
تشکیل قطره‌های آب روی شیشه پنجره	خشک شدن لباس‌های خیس
تشکیل برفک در یخ‌ساز یخچال	تابش خورشید بر آب دریاها
ناپدید شدن قرص‌های نفتالین	ناپدید شدن آب درون چاله

معلم می‌گوید: «من به نوعی تغییر حالت که در مواد صورت می‌گیرد فکر می‌کنم. پدیده‌هایی که در جدول با کلمه بلی مشخص شده‌اند، نشان‌دهنده همان تغییر حالتی است که در ذهن من وجود دارد و پدیده‌هایی که با کلمه خیر مشخص شده‌اند، چیزی نیستند که در فکر من وجود دارد». دانش‌آموزان با دقت به جدول نگاه می‌کنند و به مقایسه بله‌ها و خیرها می‌پردازند.

معلم مجدداً سؤال می‌کند: «چه چیز مشترکی بین بله‌ها وجود دارد». در ذهن دانش‌آموزان فرضیه‌هایی شکل می‌گیرد. معلم از آن‌ها می‌خواهد در دادن پاسخ عجله نکنند و کمی صبر و حوصله به خرج دهند. او چند پدیده دیگر را روی تخته کلاس می‌نویسد و به دانش‌آموزان می‌گوید بلی یا خیر بودن آن‌ها را مشخص کنند. هنوز نامی از تغییر حالت موردنظر برده نشده است، ولی دانش‌آموزان به مفهوم آن دست یافته‌اند و اکنون می‌توانند فرضیه‌ها و حتی تعریف‌های خود را ارائه دهند. در پایان، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود جریان تفکر خود را برای دستیابی به مفهوم بیان کنند و درباره چگونگی شکل‌گیری فرضیه‌ها در ذهنشان به بحث بپردازند.

ب. کاربردها و مزایای روش دریافت مفهوم

- معلم زمانی از این الگو استفاده می‌کند که هدف او رسیدن به مفهوم از طریق تکاپو، کنکاش، تفکر توسط شاگردان و رسیدن به اهداف درس باشد.
- این الگو در ریاضی، زبان، علوم اجتماعی و تجربی کاربرد دارد.
- الگوی دریافت مفهوم سبب رشد شیوه‌های مؤثر تفکر در دانش‌آموزان می‌شود.
- از الگوی دریافت مفهوم می‌توان به‌عنوان روشی برای ارزشیابی استفاده کرد.
- الگوی دریافت مفهوم سبب تقویت مهارت فرضیه‌سازی در دانش‌آموزان می‌شود، و فرصت تحلیل به آنان می‌دهد و توجهشان را بیشتر می‌کند.

مفهومی مشترک وجود دارد که وظیفه آن‌ها ایجاد فرضیه‌ای درباره ماهیت آن است. بنابراین، موارد مطرح باید از پیش منظم و با نشانه‌های «آری» و «خیر» عرضه شوند. در این مرحله مثال‌ها باید کاملاً سازمان‌یافته باشند.

۲. دستیابی به مفهوم: در این مرحله، فراگیرندگان به مقایسه مثال‌ها و موارد مطرح شده می‌پردازند و به دنبال عامل یا عوامل مشترکی بین مثال‌های مثبت می‌گردند و فرضیه‌هایی می‌سازند. در صورت لزوم، معلم باید مثال‌های بیشتری ارائه کند و دانش‌آموزان را به سوی کشف مفهوم موردنظر هدایت کند. وقتی اغلب دانش‌آموزان روی یک فرضیه به توافق رسیدند، باید مثال‌ها و موارد جدیدی به آن‌ها عرضه شود تا مثبت یا منفی بودن آن‌ها را تعیین کنند. خود فراگیرندگان نیز در این قسمت می‌توانند نمونه‌های جدیدی را مطرح کنند.

۳. نامگذاری مفهوم و تحلیل جریان دریافت مفهوم
● در این مرحله، معلم به نامگذاری و تعریف مفهوم می‌پردازد و نام تخصصی مفهوم را (اگر وجود داشته باشد) عنوان می‌کند. در آخر، دانش‌آموزان راهبردهایی را که به وسیله آن‌ها به مفهوم یا مفاهیم دست یافته‌اند، تحلیل می‌کنند.

● در واقع، بعد از آنکه دانش‌آموزان به مفهوم دست یافتند، باید از آن‌ها خواست مراحل تفکر خود را در حین دستیابی به مفهوم یک به یک نقل کنند و افکاری را که در هر مرحله به ذهنشان خطور کرده است شرح دهند. باید از آن‌ها خواست که بگویند در ابتدا چه فکر می‌کردند، چرا این‌گونه فکر می‌کردند، یا چرا فکر خود را تغییر دادند. فایده این کار آن است که مباحثه‌ای بین دانش‌آموزان صورت می‌گیرد که در پی آن، راهبردهایی را که به وسیله آن به مفاهیم دست یافته‌اند تحلیل می‌کنند. اینکه در اذهان دانش‌آموزان چه می‌گذرد، چه فرضیه‌هایی در مراحل اولیه در ذهن آن‌ها شکل گرفته و چگونه این فرضیه‌ها را آزموده‌اند، بسیار مهم است، زیرا به این طریق می‌توان نحوه تفکر دانش‌آموزان را بررسی و راه‌های رشد آن را تسهیل کرد. به این ترتیب، هم تمرین‌هایی برای دریافت مفهوم در اختیار داریم و هم دانش‌آموزان می‌توانند با تغییر در راهبردها و آموختن راهبردهای جدید، توانایی بیشتری در دریافت مفاهیم پیدا کنند.

* منابع

۱. جویس بروس و همکاران (۱۳۸۵). *الگوهای تدریس*. نویسن. ترجمه محمدرضا بهرنگی. انتشارات کمال تربیت.
۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *روان‌شناسی پرورشی*. انتشارات آگاه. تهران.
۳. شعبانی، حسن (۱۳۹۱). *مهارت‌های تدریس*. انتشارات سمت. تهران.
۴. سند تحول نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (۱۳۹۰). سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
5. Aghazade, M. (2006). Turkmenistan national education act, UNICEF and Turkmenistan Ministry of Education